

و شماره نامه

رمضان - شماره بیست و دوم



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

مبانی قرآنی دفاع از مقاومت

مقدمه:

«استقامت» از ارکان اصلی زندگی بشری و مهم‌ترین عامل موفقیت انسان و همه جوامع انسانی است. در قرآن کریم، مقاومت به استقامت تعبیر شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مومنین را امر به استقامت و پایداری کرده و در آیات متعدد به استقامت‌کنندگان و صابران، وعده برخورداری از مواهب الهی و امدادهای غیبی و نصرت و پیروزی داده است.

برخلاف آنچه بعضی می‌پندارند فطری بودن «دین»، منحصر به اصل توحید و خداپرستی نیست، بلکه شامل تمام اصول و فروع می‌شود. بر این اساس مقاومت نیز یک امر فطری است و جهاد در مقابل متجاوزان در فطرت انسان وجود دارد، زیرا هرکسی با فطرتش درک می‌کند که در مقابل تهاجم دشمن باید از خود دفاع کند. (۱) به بیان دیگر: تجلی مسایل فطری در انسان با شناخت توأم است، لذا در مورد جهاد و مقاومت، افراد سطحی که تنها ضرب و جرح و مشکلات جهاد و مقاومت را می‌بینند، ممکن است آن را ناخوش بیندارند، ولی افراد دورنگر که می‌دانند شرف و عظمت و افتخار و آزادی انسان در گرو ایثار و پایداری است، یقیناً با آغوش باز از آن استقبال می‌کنند، همان گونه که افراد ناآگاه از دارو تلخ و بدطعم بر اثر سطحی‌نگری متنفرند، اما هنگامی که بیندیشند که موجب سلامت و نجات آنهاست، آن را با جان و دل می‌پذیرند (۲)

در ادامه مبحث به مبانی دفاع و مقاومت در چند بخش اشاره می‌شود:

الف) مترادفات قرآنی مقاومت: در قرآن، الفاظ هم‌معنای مقاومت آمده است، مانند: صبر و شکیبایی (۳) ثبات قدم «اَثْبُتُوا» (۴) دفاع: خداوند فرموده است: «بیایید و در راه خدا نبرد و یا (لا اقل) از حریم خود دفاع کنید.» (۵) طاقت و تحمل: و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند از آن [نهر] گذشتند گفتند امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و سپاهیانش نیست (لَا طَاقَةَ لَنَا) کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند گفتند: بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیبایان است (۶) قتال (رو در رو شدن) (۷). جهاد: مانند آیه‌ای که می‌فرماید: «و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند (جاهدُوا) به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم...» (۸)

ب) مبانی مقاومت از نگاه قرآن: قرآن کریم مبنای کلیدی چهارچوب تئوریک فقه مقاومت است. اولین و مهم‌ترین منبع استنباط احکام فقه اسلام نزد همه فقیهان تمام مذاهب اسلامی، قرآن کریم است و هیچ فرقه اسلامی و فقیه مسلمان اختلاف و تردیدی در این اصل مسلم ندارد. بر این اساس کلیات ابواب فقهی نظیر جهاد و دفاع بر مبنای صریح آیات قرآن بیان شده‌اند. (۹)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ: به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد داده شده است، به خاطر اینکه مورد ستم قرار گرفته‌اند و خداوند بر یاری آنها توانایی دارد.» (۱۰)

در این آیه به مسلمانان مظلوم، هم اجازه مقاومت

یکم) مقاومت و شأن خدوندی: از دیدگاه قرآن اساس مقاومت و دفاع در برابر کافران و دشمنان دین بر عهده خداوند متعال است. قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا: قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند...» خداوند متعال وظیفه دفاع و مقاومت در برابر کفر را به مومنین نیز واگذار می کند و می فرماید: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ: کسانی که مورد ظلم قرار می گیرند می توانند به مقابله برخیزند، هرچند خداوند بر هر چیز تواناست.» (۱۶)

این اذن الهی به معنای اختیار نیست، بلکه امر به مقاومت است؛ زیرا در جای دیگر می فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ: باید آنگونه که به تو امر شده است استقامت کنی.» (۱۷)

دوم: مقاومت در مقابل فساد: بر مبنای قرآن کریم، مقاومت نه تنها امری پسندیده است؛ بلکه امری لازم و ضروری است. خداوند متعال از باب تفضل بر مومنین و برای جلوگیری از تسلط کامل فساد و تباهی طاغوت (۱۸) می فرماید: «و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد (وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ) قطعاً زمین تباه می گردید (لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ) ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضل دارد.» (۹)

سوم: مقاومت و حفظ دین: «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَّيْتُمْ صَوَامِعَ وَبِيْعَ وَصَلَوَاتٍ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (در هر زمانی خداوند برای حفظ دین و ایمان مومنین، از ایشان دفاع کرده است) و اگر یاری او نبود و کافران و مشرکان را دفع نمی کرد، آنها

مسلحانه و جهاد و هم وعده پیروزی از سوی خداوند داده شده و دلیل آن هم این گونه ذکر شده که دشمن جنگ را ظالمانه شروع کرده و سکوت در برابر او غیرقابل قبول است، چون باعث جرئت و جسارت مخالفان و ضعف و نومیدی دوستان می شود. (۱۱) در آیه دیگر می خوانیم: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ: (۱۲) با آنها پیکار کنید تا فتنه گری (شک و سلب آزادی) بر چیده شود و دین همه مخصوص خدا باشد» و همه اهل ایمان آزادانه بتوانند خدا را بپرستند و از خدا و اسلام سخن بگویند.» بنابراین مبارزه با فتنه نیز نوعی جهاد دفاعی است. (۱۳)

در سومین آیه به مسلمانان دستور داده شده که آمادگی کاملی داشته باشند: «وَ اعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ: در برابر آنها آنچه توانایی دارید از نیرو آماده سازید.» (۱۴) مفهوم آیه هرگونه فراهم سازی نیروهای معنوی، مادی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می شود، اما هدف اصلی از همه این امور مقاومت و خفه کردن تهاجم در نطفه است.

بی شک این تعبیر قرآنی نشان می دهند که جهاد اسلامی در اصل جنبه دفاعی دارد؛ دستور به جهاد بعد از مسئله هجرت صادر شده که نشان می دهد اساس جهاد در اسلام را «دفاع در برابر دشمن» تشکیل می دهد، زیرا مسلمانان سیزده سال تمام در برابر تمام آزارها و کارشکنی ها و ضرب و جرح ها دست به اسلحه نبردند، شاید دشمن بر سر عقل آید. (۱۵)

آنچه ذکر شد به صورت کلی مبانی مقاومت در قرآن بود. در بخش بعدی سعی می کنیم به صورت خلاصه موارد مقاومت و دفاع را در قرآن بررسی کنیم.

اسلام نیز می شود، یعنی اگر کفار بخواهند بر منتحلین به اسلام سلطه پیدا کنند، باید از آنها دفاع کرد و کفار را عقب راند. منتحلین به اسلام به کسانی می گویند که خودشان را مسلمان می دانند، ولی ما به دلایلی آنها را مسلمان به شمار نمی آوریم، مثل خوارج یا ناصبی ها.

قرآن می فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا: خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.» (۲۳) یعنی اگر جامعه اسلامی از دستورات الهی تبعیت کند، کافران در هیچ زمینه ای اعم از جنگ و سیاست و علم و عمل نمی توانند بر آنها مسلط شوند. (۲۴) و هرگاه جامعه اسلامی در تدبیر و انجام وظایف دینی اهمال کرد، زمینه سروری و علو کافران را بر خود فراهم کرد و آنها بر مملکت اسلامی حاکم شدند و چونان فرعونیان، زمین های مسلمانان را غصب و بر آنها جزیه تعیین کردند و ایشان را به کارهای دشوار واداشتند. (۲۵) در تفسیر آیه گفته شده است که تسلط کافران بر مسلمانان شرعاً جایز نیست و هر جا چنین تسلطی ایجاد شود غیرشرعی است. (۲۶) پس بر همه مسلمانان واجب است به منظور مقاومت در برابر تسلط کفار بر ایشان، تمام قوای خود را در همه ابعاد به کار بندند. از جمله:

بعد سیاسی و اجتماعی: خداوند می فرماید: «بگو من فقط به شما یک اندرز می دهم که دو به دو یا به تنهایی برای خدا قیام کنید و به پا خیزید.» (۲۷) در اینجا «قیام» به معنای روی آوردن به ارشاد و اصلاح و سازندگی انسان ها با گفتگوی روشنگرانه و به اندیشه و تفکر واداشتن آنان و نیز اندیشیدن در مورد خویش است؛ زیرا سرچشمه هر دگرگونی مطلوب و یا تحمل

هیچ مجالی برای عبادت خداوند بر روی زمین باقی نمی گذاشتند و تمام عبادتگاه ها را نابود می کردند؛ (۲۰) زیرا اساس دشمنی کفار با مومنین، از بین بردن ایمان و آثار ایمانی است. (۲۱) و باید در مقابل آنها دفاع کرد.

چهارم: مقاومت و دفاع از مظلومان: خداوند مسلمانان را دعوت به جهاد برای حمایت از مظلومان و مبارزه با ظالمان می کند، و می فرماید: «وَمَالِكُمْ لِاتِّقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلِهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ چرا در راه خدا و برای رهایی مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند پیکار نمی کنید؟ همان مظلومانی که می گویند: «خدایا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر (و رهایی ببخش) و از سوی خود، برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود برای ما یار و یآوری مقرر فرما» در این آیه نخست دعوت به جهاد در راه خدا شده و بلافاصله سخن از مستضعفان و مظلومانی به میان آمده که دشمن سنگدل آنها را مجبور به ترک خانه و کاشانه خود کرده است. یاری این گونه مظلومان مصداق روشن «جهاد فی سبیل الله» است. روشن است که این نوع جهاد نیز جهاد دفاعی است. (۲۲)

پنجم: لزوم مقاومت بر اساس قاعده نفی سبیل: جهان کفر همیشه برای تسلط بر جامعه ایمانی از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. شیخ حسن کاشف الغطاء، از علمای عصر زندیه و اوایل قاجار، که کتاب فقهی او به نام «انوار الفقاهه» از کتاب های مورد توجه است، می نویسد: «قاعده نفی سبیل که مفادش رفع سلطه ی کافر بر مسلمان است، حتی شامل منتحلین به

روید یا به طور جمعی روانه شوید.» (۳۳)

ششم: وابستگی عزت مسلمین به مقاومت: خداوند می فرماید: «آنان که غیر از مؤمنان کافران را دوستان [خود] می گیرند آیا سربلندی را نزد آنان می جویند [این خیالی خام است] زیرا عزت همه از آن خداست.» (۳۴). برگزیدن راهی جز مقاومت در برابر کافران ذلت به بار خواهد آورد و عزت حقیقی در مقاومت است. (۳۵) رهبر معظم انقلاب می فرماید: «پر واضح است که دل دادن به وعده عدالت آخرالزمانی و کناری نشستن و انتظار بدون حرکت و عمل صحیح، ثمربخش نخواهد بود... ملت فلسطین نباید و نمی تواند آزادی و حقوق حقه خود را در کنفرانس و گردهمایی های سران عرب جستجو کند... مبارزان داخل باید به خدا و به نیروی مردمی و اسلامی تکیه کنند و بدانند: «کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن الله والله مع الصابرين، چه بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده و خدا با صابران است.» (۳۶)

د) فقه مقاومت در سنت رسول الله ﷺ و اهل بیت علیهم السلام: سنت نیز مانند کتاب، راهنما و دلیلی است که به عنوان مصادر تشریح یا دلایل حقوق اسلام یا دلایل احکام شرعی معتبر است؛ (۳۷) لذا وقتی دشمن جنگ را بر امت اسلامی تحمیل می کند و یا ظالمی گلوی مظلومی را می فشارد و یا سرزمین او را اشغال می کند، فقیه بر مبنای روایات و دیگر منابع فقه شیعه جهاد دفاعی را بر مسلمانان فرض خواهد کرد تا به یاری مظلوم بشتابند، هرچند منجر به درگیری با قوم ظالم شود. (۳۸) طبق روایات متعددی در تحقق این مسئله دخالت دارند. به عنوان نمونه پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «مَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ

هر ناپسند و نامطلوبی، دگرگونی در اندیشه و باورها و از پی آن دگرگونی در عملکردهاست. (۲۸) در جای دیگری فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثَبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا: ای کسانی که ایمان آورده اید! [در برابر دشمن] آماده باشید [اسلحه خود را بگیرید] و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید. (۲۹) در این آیه خداوند در عرصه سیاسی و نظامی، برای در امان ماندن از شر دشمن آماده باش کامل اعلام می دارد.. این آمادگی مستلزم شناخت حالات و استعدادها و قوت و ضعف و تعداد و توافقات و اختلافات دشمن و راه مقابله و مقاومت در برابر آنهاست. (۳۰). در نتیجه سیاست و برنامه ریزی های اجتماعی باید بر مبنای حفظ دین و اعتقاد و مقابله با دسیسه های همه جانبه دشمن باشد.

بعد نظامی: امنیت کامل بستگی دارد به اینکه جامعه اسلامی برای مقابله نظامی با دشمنان آماده باشد. هیچ کاری نمی تواند مانند آمادگی برای جنگ و مقاومت مانع جنگ دشمن شود؛ (۳۱) خداوند می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ: و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما آنها را نمی شناسید و خدا آنان را می شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانده می شود و بر شما ستم نخواهد رفت. (۳۲) و نیز: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثَبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا: ای کسانی که ایمان آورده اید در برابر دشمن آماده باشید (اسلحه خود را بگیرید) و گروه گروه (به جهاد) بیرون

بر این اساس باید به ندای هر مظلومی در هر جای جهان لبیک گفت و در حد وسع و امکانات، به یاری او شتافت.

۵) عوامل مقاومت: برای داشتن روحیه مقاومت باید عوامل آن را ایجاد کرد. برخی از مهم‌ترین عوامل مقاومت به این شرح‌اند:

۱. ایمان به خدا و امدادهای الهی: کسی که به خدا ایمان دارد و او را در هستی، تنها مؤثر مطلق و محض می‌داند، فقر خود را با غنای او جبران می‌کند. (۴۴). (او که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ: ای مردم، شما همه به خدا محتاجید و تنها خداست که بی‌نیاز و غنی بالذات و ستوده صفات است.» (۴۵). و موانع را نیز با حمایت و امدادهای خداوندی از پیش رو برمی‌دارد؛ زیرا خداوند فرموده است که اگر او را یاری دهید، او شما را یاری خواهد داد. (۴۶)

۲. قیامت باوری: اعتقاد به قیامت، موجب ایجاد روحیه صبر و مقاومت در مومنین می‌شود و همین باور است که تحمل مصیبت‌ها و سختی‌ها را بر ایشان آسان می‌کند. مرور آیات قرآن گواه بر این مدعاست که مؤمنین به معاد، یارای مقاومت و مقابله با سختی‌ها را دارند؛ زیرا ایشان معاد را بازگشت ارواح به رب الارواح می‌دانند.

۳. توکل بر خدا: انسانی که عاقبت کارها را به خداوند می‌سپارد، تابع اراده اوست. خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَأَخْشَوْهُمْ فَرَّادَهُمْ إِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ: آنها کسانی هستند که اگر همه مردم علیه آنها باشند

مِنَ الظَّالِمِينَ كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِبًا: کسی که حق مظلوم را از ظالم بگیرد (چه مظلوم مسلمان باشد، و چه غیر مسلمان) در بهشت با من خواهد بود.» (۳۹). در حدیث دیگری فرمود: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ: هر کس صدای مظلومی را بشنود که از مسلمانان کمک می‌طلبد و به کمک او نشتابد مسلمان نیست.» (۴۰)

امام علی عليه السلام خطاب به فرزندان فرمود: «كُونَا لِظَالِمٍ حَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا: دشمن ظالم و یار و کمک‌کار مظلوم باشید.» این روایت نیز عام است و شامل غیر مسلمانان نیز می‌شود. بنابراین، طبق روایت فوق هر کس ندای مظلومیت مظلومی را بشنود و استغاثه‌اش به گوش او برسد و توانایی یاری رساندن به او داشته باشد و به یاری‌اش نشتابد مسلمان نیست. با این اوصاف دفاع از مظلوم وظیفه هر مسلمانی است؛ هر چند مظلوم غیرمسلمان باشد. (۴۱)

همچنین کلام نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «شما جنگ را آغاز نکنید، بلکه هر زمان دشمن جنگ را شروع کرد شما جوابش را بدهید و اگر دست از جنگ کشید، شما هم دست بکشید.» (۴۲) این خود دلیل بر این است که جنگ‌های اسلامی جنبه دفاعی و مقاومتی دارند. (۴۳)

در نتیجه دفاع از سوریه، عراق، فلسطین و یمن و... در راستای جهاد دفاعی است. لذا اگر ملت سرافراز ایران شعار حمایت از ملل مظلوم فلسطین، سوریه؛ عراق، یمن و دیگر ملت‌های مظلوم را سر می‌دهد جای تعجب نیست، زیرا به مضمون قرآن؛ روایات، عقل و اجماع علما و فقهای اسلامی عمل می‌کند.

الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ: سخن آنان جز این نبود که گفتند پروردگارا گناهان ما و زیاده روی ما در کارمان را بر ما ببخش و گام های ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران یاری ده.» (۵۰). یعنی در دعای آنها چیزی که نشانه ضعف باشد وجود ندارد؛ بلکه عزم راسخ خود را بیان می دارند. این نوع دعا موجب استقامت بیشتر ایشان خواهد بود.

۶. صبر و بردباری: در آیه دیگر از قرآن کریم می خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: ای کسانی که ایمان آورده اید (در برابر مشکلات و هوس ها) استقامت کنید و در برابر دشمنان (نیز) استقامت به خرج دهید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.» (۵۱)

خداوند در این آیه شریفه دستور به استقامت در برابر دشمن می دهد. از دستور (صابروا) استفاده می شود که هر قدر دشمن بر خصومت خود بیفزاید، ما نیز باید بر پایداری و استقامت خود بیفزائیم. «مرابطه» به معنی مراقبت از مرزهاست. این جمله به مسلمانان دستور آماده باش در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی می دهد تا هرگز گرفتار حملات غافلگیرانه دشمن نشوند. (۵۲)

به قلم: حجه الاسلام سید جواد حسینی

پی نوشت ها:

۱. دائره المعارف فقه مقارن؛ ج. ۱؛ ص. ۷۷

۲. تفسیر نمونه؛ ج. ۲؛ ص. ۱۰۸.

۳. انفال/ ۶۵

۴. انفال/ ۴۵

ترس به دل راه نمی دهند و به خدا توکل می کنند و او را بهترین حامی خود می دانند.» (۴۷)

۴. امیدواری: امید به پاداش و نصرت الهی، سبب تقویت روحیه و مقاومت در برابر دشمنان است. خداوند در این باره می فرماید: «لَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا: و از تعقیب دشمن سست نشوید (چه اینکه) اگر شما درد و رنج می کشید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می کشید، ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند و خداوند دانا و حکیم است.» (۴۸) در این آیه امیدواری به خداوند، سبب مقاومت و تحمل درد و سختی به شمار آمده است.

رهبر معظم انقلاب می فرماید: «باید به وعده الهی امیدوار بود و به تحقق آن حسن ظن داشت. مبارزه وقتی موفق خواهد شد که ایمان به خدا و توکل به خدا در آن وجود داشته باشد. باید حسن ظن به خدای متعال و به وعده الهی را باید در مردم تقویت کنید. او به ما می فرماید: «لِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ». از دشمن نهراسید، «ان كيد الشيطان كان ضعيفا» او به ما این را تلقین می کند. ما اگر به وظیفه خود عمل و برای خدا حرکت و مبارزه کنیم و هدف را رضای خدا قرار بدهیم، بدون شک پیروزی نصیب خواهد شد.» (۴۹)

۵. دعا: یکی از عوامل مقاومت دعا و از خدا طلب صبر کردن است، همان گونه که خداوند در وصف بسیاری از پیامبرانی که به همراه پیروان خود در برابر دشمنان مقاومت کردند و عزت خود را از دست ندادند می فرماید: «وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى

۵. ل. عمران/۱۶۷
۶. بقره/۲۴۹
۷. بقره/۱۹
۸. عنکبوت/۶۹
۹. دائره المعارف فقه مقارن، ناصر مکارم شیرازی، ج. ۱؛ ص. ۳۳۲ و ۳۲۹
۱۰. سوره حج؛ آیه ۳۹. پیام قرآن؛ ج. ۱۰؛ ص. ۲۹۶.
۱۱. پیام قرآن؛ ج. ۱۰؛ ص. ۲۹۶.
۱۲. سوره انفال؛ آیه ۳۹.
۱۳. پیام قرآن؛ ج. ۱۰؛ ص. ۲۹۸.
۱۴. سوره انفال؛ آیه ۶۰.
۱۵. پیام قرآن؛ ج. ۱۰؛ صص. ۳۰۱-۳۰۰.
۱۶. حج؛ ۳۸ و ۳۹
۱۷. هود/۱۲
۱۸. المیزان، طباطبایی، ۱۳۷۱ ش، ج. ۲، ص. ۹۸.
۱۹. بقره/۲۵۱
۲۰. حج/۴۰ ر. ک: طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۱ ش، ج. ۱۴، ص. ۳۸۵.
۲۱. بقره/۲۱۷
۲۲. پیام قرآن؛ مکارم شیرازی، ج. ۱۰؛ ص. ۳۲۱
۲۳. نساء/۴۱
۲۴. المیزان، طباطبایی، ۱۳۷۱ ش، ج. ۵، ص. ۱۱۶.
۲۵. هروی، محمد الأمين، تفسیر حدائق الروح والریحان، بیروت، دار طوق النجاه. هروی، محمد الأمين، ۱۴۲۱ ق، ج. ۶، ص. ۴۲۳.
۲۶. قرطبی، محمد بن أحمد (۱۳۸۴ ق)، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، قاهره، دار الکتب المصریه، چاپ دوم.
۲۷. سباء/۴۶
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق، ج. ۸، ص. ۲۲۵.
۲۹. نساء/۷۱
۳۰. مراغی، أحمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، قاهره، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی، چاپ اول، ۱۳۶۵ ق،
- ج. ۵، ص. ۸۷.
۳۱. مراغی، تفسیر المراغی، ۱۳۶۵ ق، ج. ۱۰، ص. ۲۵.
۳۲. نفال/۶۰
۳۳. نساء/۷۱
۳۴. نساء/۱۳۹
۳۵. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ج. ۳، ص. ۴۹۳.
۳۶. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰
۳۷. دائره المعارف فقه مقارن؛ مکارم شیرازی، ج. ۱، ص. ۶۳۳.
۳۸. تفسیر نمونه؛ ج. ۲۱؛ ص. ۴۰۹.
۳۹. بحار الانوار؛ محمد باقر مجلسی، ج. ۷۵؛ ص. ۳۵۹؛ ح. ۷۵.
۴۰. بحار الانوار؛ محمد باقر مجلسی، ج. ۷۴؛ ص. ۳۳۹؛ ح. ۱۲۰. از تو سؤال می کنند (مجموعه سئوالات قرآنی از پیامبر اکرم ﷺ) ص. ۷۷.
۴۱. میزان الحکمه؛ محمدی ری شهری، ج. ۶؛ ص. ب. ۲۴۶۷؛ ح. ۱۱۴۸۳.
۴۲. وسایل الشیعه؛ ج. ۱۱؛ ابواب جهاد العدو؛ ب. ۳۴؛ ح. ۴.
۴۳. داستان یاران: مجموعه بحث های تفسیری حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)؛ ص. ۲۸۸.
۴۴. طباطبایی، ۱۳۷۱ سید محمد حسین، المیزان، ش، ج. ۱۷، ص. ۳۴.
۴۵. فاطر/۱۵
۴۶. محمد/۷ و ر. ک: المیزان، طباطبایی، ۱۳۷۱ ش، ج. ۹، ص. ۹۵.
۴۷. آل عمران/۱۷۳
۴۸. نساء/۱۰۴
۴۹. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در افتتاحیه ی همایش غزه ۰۸/۱۲/۱۳۸۸
۵۰. آل عمران/۱۴۷
۵۱. آل عمران/۲۰۰
۵۲. تفسیر نمونه؛ ج. ۳؛ صص. ۲۳۳-۲۳۴.

فِيهِ الْبُرُكَاتُ الْكَثِيرَاتُ وَصِيَامُهَا مَنْعَةٌ لِلْجِنَّاتِ وَالشَّيْطَانِ

ما احتیاج داریم به این که از این ساعات، از این روزها و شبهای پربرکت (ماه رمضان) حداکثر بهره را ببریم؛ با تقویت رابطه‌ی قلبی خودمان با عالم معنا، با عالم غیب، با ابتهال و تضرع و خشوع در مقابل رب الارباب، و با استحکام پیوند ولایت خودمان با اهل بیت (علیهم السّلام) و این خاندان مکرم.

